

مژگان

www.ketab.ir

سرشناسه : کاظمی، اکبر، ۱۳۳۲ -

عنوان و نام پدیدآور : مژگان/ اکبر کاظمی.

مشخصات نشر : زنگان : قلم مهر، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری : ۳۰۴ ص.

شابک : ۱۲۰۰۰۰ ریال: ۵-۲۳-۷۴۷۴-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی : فیا

موضوع : داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴

رده بندی کنگره : ۱۳۹۴ الف ۶۲۲م ۴/۸۳۵۸ PIR

رده بندی دیویی : ۳/۶۲۸

شماره کتابشناسی ملی : ۳۹۲۱۶۷۶

عنوان کتاب: مژگان

مؤلف: اکبر کاظمی

ناشر: انتشارات قلم مهر



انتشارات قلم مهر

شابک: ۵-۲۳-۷۴۷۴-۶۰۰-۹۷۸

www.tabassom.org

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: سینا

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

بنام او که زیباست و دوستدار زیبایی‌ها

و به نام نقّاش بال پروانه‌ها

شبه مقدّمه!

تا آن‌جا که یادم می‌آید همیشه به این موضوع فکر می‌کردم که چرا همه‌اش زندگی‌نامه مشاهیر و بزرگان و ... را می‌نویسند؟ برای یکبار هم که شده آدمی معمولی! سرگذشت خویش را به قلم خودش بنویسد چه می‌شود؟ از درد و رنج‌هایی که کشیده، از شادی‌هایی که گاهی ره گم می‌کردند و سری بهش می‌زدند، از اشتباهاتش، از نقاط ضعف و قوتش، از زندگی‌اش که سراسر ماجراست، پر است از حادثه و هیجان! همه‌اش هم واقعی و واقعی!!! درست مثل خود زندگی!!! کم‌ترین فایده‌اش هم این است که برای نوجوانان و جوانان عبرت است و برای هم سن و سالانش، آشنایی با زندگی آدمی شاید مثل خودشان!!! باید جرأت بیانش را داشت!!! (زندگی چیزی نیست که لب طاقچه‌ی عادت از یاد من و تو برود! زندگی تجربه‌ی شب پره در تاریکی است! زندگی شستن یک بشقاب است! زندگی تر شدن پی در پی، زندگی آب ننی کردن در حوضچه‌ی اکنون است!!!) البته بخوبی می‌دانم من نویسنده نیستم (که مسلماً سال‌ها مطالعه کرده و نوشته و به اصطلاح دود چراغ خورده!) اما اقرار می‌کنم با پررویی تمام، دست به قلم بردم، بد نیست بدانید حدود ۴۰ قصه کوتاه هم نوشته‌ام که اگر عمری باقی بود شاید تعدادی از آن‌ها را به چاپ سپردم. با توجه به خالی بودن سبد خانوارها از کتاب، بدلالی که شما عزیزان بهتر از من می‌دانید و پائین بودن سطح مطالعه در کشور (شاید روزی چند ثانیه!!!) ناگفته پیداست هیچ گونه توقّع

بهره مادی از این کار ندارم که اگر بتواند هزینه‌هایش را تأمین کند جای خوشحالی دارد! پس انگیزه‌ی اصلی‌ام؛ در میان گذاشتن درد و دل‌هایم بود در سطحی وسیع‌تر از چند دوست و همدم! شاید هم یک عامل دیگر از حال که ۶۲ ساله‌ام نگاه کردن به گذشته باشد و اتفاقاتی جالب که خیلی کم یک جا در زندگی کسی رخ داده باشد روشن است اتفاقات بد هم پس از گذشت سالیان، آن تلخی اولیه را از دست می‌دهد و با خاطرات خوب هر چند کم در هم می‌آمیزد! و اصولاً مگر نه زندگی مجموعه‌ای است از همین خاطره‌ها؟! (زندگانی سیبی است، گاز باید زد با پوست!)

حالا این شما و اینم داستان کاملاً واقعی من!! فقط اسامی را عوض کرده‌ام و خود بهتر می‌دانید چرا!!!

با احترام: نویسنده

^۱ - تمام اشعار داخل پراتر از زنده یاد سهراب سپهری است.